

مهران ابراهیمیان

رفتن به دفتر رئیس کل سازمان امور مالیاتی به دلیل مشغله‌های بسیار زیاد که بخش مهمی از آن لابد در ارتباط با مجلس و نمایندگان مجلس، طرح خروج از رکود و... بود حدود چهار ماه طول کشید هر چند که روابط عمومی سازمان با تحولات جدید انصافاً فصل جدیدی را در روابط بین رسانه‌ها و این سازمان (غیر قابل جذاب از نظر فعالان اقتصادی) ایجاد کرده است. علی‌عسکری دکتری علوم اقتصادی و معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی در این گفت‌وگو به نقش مالیات در تحقق اقتصاد مقاومتی، مشکل نگاه جزئی‌رای به مسائل اقتصاد، کثیف‌ترین و متداول‌ترین روش‌های فرار مالیاتی، نظام فساد آور چانه‌زنی در مالیات، ناکارآمدی قوانین در استقرار عدالت مالیاتی و... اشاره کرد.

■ ■ ■

به عنوان اولین سؤال تعریف شما از عدالت مالیاتی چیست؟

آن چیزی که تلقی مردم از عدالت است این است که هر کاری در جای خودش و بدون تبعیض انجام بشود و حق کسی ضایع نشود. این تعریف از سوی مردم است. اما باید به این موضوع هم از زاویه دیگری نگرست زیرا باید دید وقتی خود مردم هم در مسیر تحقق عدالت قرار می‌گیرند آیا خودشان هم به عدالت اعتقاد دارند یا اجرای عدالت را برای دیگران می‌خواهند؟ مثلاً در حوزه مالیات، مودی از من و سیستم مالیات سوال می‌کند آیا شما به عدالت مالیات می‌گیرید و در مقابل ما هم به عنوان مجری عدالت حق داریم برسیم یا شما به عدالت مالیات می‌دید یا نه؟!

یعنی در مفهوم عدالت باید دو سویه به آن نگاه کرد هم از سمت کسی که به سوی حاکمیت نگاه می‌کند و هم وقتی حاکمیت به آنها می‌خواهد با عدالت به آنها نگاه کرده و اعمال قانون کند. البته برخی‌ای از افراد در حوزه مالیات هستند که خیلی جایی برای فرار از تحقق عدالت ندارد اما بسیاری از افراد هستند که به عدالت اعتقادی ندارند و آنها منافع خودشان را به منافع عمومی و تحقق عدالت ترجیح می‌دهند. این جااست که در نظام‌های اقتصادی ابزارها، قوانین و عملیات‌هایی را تعریف می‌کنند که اگر از مسیر عدالت منحرف شد آن فرد را در مسیر عدالت قرار دهند و در نظام مالیاتی یکی از وظایف مهمش این است که این افراد را در مسیر طبیعی خودش قرار دهد که ممکن است برخی از این اقدام استقبال کنند و برخی در انجام این کار ممانعت بکنند و کم‌نارید، بنابراین از این حیث یک مقداری دقیق تر طریقتر ببینیم تا هر کسی در تحقق عدالت نقش خود را ایفا کند، من و سازمان مالیاتی که باید مالیات را طبق قانون جمع‌آوری کنم و چه مودیانی که باید مالیات بپردازند. یعنی من به عنوان نظام مالیاتی ممکن است در بخش‌هایی مالیات زیادی بگیرم که باید آن را اصلاح کنم.

این تعریف مسئولیت‌زا برای مردم و سازمان مالیاتی آیا می‌توان اقتصاد مقاومتی و شفافیت در اقتصاد را بدون عدالت مالیاتی متصور شد؟
اقتصاد مقاومتی یعنی هر کس در جایگاه خودش، وظیفه‌اش را درست انجام بدهد من در نظام مالیاتی و مودی در جایگاه خودش، مودی اطلاعات درست را در اختیار سازمان مالیات بدهد و اگر مودی نیاز به اطلاعات و اطلاع از حقوق خود در حوزه مالیاتی دارد، این اطلاعات قابل دسترسی باشد یا اگر درست و کامل مالیات در بسیاری از جاها ناثوان است. مبادی گفت که اطلاعات به نظام مالیاتی بدهند، نمی‌دهند. در حالی که نظام مالیاتی جایگاه حاکمیتی دارد. در کشورهایی که ما آنها با عنوان کشورهای توسعه‌یافته یاد می‌کنیم و برای آنها در حوزه اقتصادی افتخاراتی قائل هستیم، دست دستگاه‌های مالیاتی برای دسترسی به اطلاعات کاملاً باز است و جایی نیست که بگوید من این اطلاعات را خواستام و بگویند ندارم.

موانع این مشکل کجاست؟

مهم‌ترین مانع آن بخشی‌نگری است. امروز در اقتصاد هر کسی فکر می‌کند بخش خودش را اداره کند و روابطش با بخش‌های دیگر ارتباط معنی‌داری نیست. من در جایگاه نظام بانکی فکر می‌کنم باید نظام بانکی را اداره کنم؛ آن هم اگر درست اداره کنم، بخش دیگر در نظام فعالیت‌های صنفی فکر می‌کند فقط باید مجموعه خودش را ببیند یا در جامعه پزشکی، اتاق بازگانی، صنایع و معادن و... فقط خودش را می‌بیند. البته من قصد ندارم جایگاه آنها را مخدوش کنم. بانک و سایر بنگاه‌های اقتصادی باید جایگاه خودشان را به درستی بشناسند و انجام وظیفه کنند اما در زاویه‌ای دیگر وقتی نقش حاکمیتی به میدان می‌آید دیگر نباید بخشی‌نگری کرد و هر یک از بخش‌های اقتصادی وظیفه‌ای را در قالب یک یک کار دارند.

با این توضیح اقتصاد مقاومتی راحت‌تر بازتعریف می‌شود. یعنی دستگاه‌ها و افراد هر یک وظیفه خود را می‌دانند و به نحو احسن وظیفه خود را نه به عنوان یک بخش و جزیره که به عنوان یک جزئی از کل انجام می‌دهند. در این صورت است که کل اجزا با درک درست از نقاط قوت و نقاط ضربه‌پذیر ما مدیریت کل‌نگر هدف اصلی را دنبال می‌کنند و نقاط ضعف را جبران می‌کنند.

مثلاً در زمان حاضر از مسائل تحریم زیاد شنیده می‌شود، در حالی که تمام مسائل اقتصاد ما به تحریم گره نخورده، البته بی‌تأثیر نیست ولی با این ساختار موجود خیلی مسائل دیگری در اقتصاد داریم که با رفع تحریم هم برطرف نمی‌شود.

با استقرار اقتصاد مقاومتی بی‌تعارف و بدون پرده‌پوشی باید این ساختارها را در نظام مالی، تولید، توزیع، مصرف مالیاتی و... اصلاح کرد. البته در بخش‌هایی هم ممکن است که مدسه‌بینیم اما باید این ثبات را به جان خریدیم. درست مثل مریض که بدون قرص و جراحی خوب نمی‌شود و ممکن است که برای مریض درد هم ایجاد کند ولی فرد بدون درد و جراحی سالم نمی‌شود. ضمن اینکه نقاط قوت اقتصاد را شناسایی و برجسته کنیم و خلاها را پر کنیم. اتفاقاً یکی از نقاط قوت مغفول مانده و قوت ما همین بحث مالیات است که اگر درست‌اجرا شود تنظیم‌کننده و اصلاح‌کننده سایر بخش‌های اقتصادی نیز هست. ما اگر می‌خواهیم کاهش درآمدهای نفتی را نداشته باشیم

گفت‌وگو

گفت‌وگو ۸۸۴۹۸۴۲۸



گفت‌وگو با دکتر علی‌عسگری، رئیس سازمان امور مالیاتی

فاکتور فروشی کثیف‌ترین شیوه فرار مالیاتی است

ماجرای پزشکی که به فرار مالیاتی خود پیش رئیس سازمان مالیات اقرار می‌کند!

هیچ راهی برای دولت جز افزایش درآمدهای مالیاتی نداریم. زیرا دولت حق ندارد بیشتر از این وارد حوزه تصدی‌گری شود.

این حرف درست است اما وقتی می‌گویم هیچ راهی نداریم، تلقی مردم این است که ما می‌خواهیم مالیات‌ها را اضافه کنیم. در حالی که اصلاً چنین نیست. بحث این است که ما عدالت مالیاتی را برقرار کنیم آنگاه خواهیم دید که چقدر درآمدها بیشتر می‌شود. اقتصاد ما ظرفیتی به مراتب بیشتر از آن چیزی دارد که ما اکنون مالیات‌اخذ می‌کنیم. ما قصدمان این نیست است که از مالیات‌دهنده‌ای که مالیات خود را می‌پردازد، بیشتر مالیات بگیریم بلکه تلاش ما این است که از کسی مالیات بگیریم که تا به حال مالیات نداده. الان در بحث مالیات و فرار مالیاتی بخش‌هایی هستند که ما شناسایی نکرده‌ایم و خیلی‌ها مالیات نمی‌دهند. به عنوان مثال چندی پیش ساعت ۲۳ شب بر حسب ضرورت به پزشک مراجعه کردم و بعد از خودمانی شدن به من گفت: «به دلیل پروکاریسی که می‌کنیم، ما قصدمان این نیست است که مالیات‌دهنده‌ای را از این موارد، بیشتر مالیات بدهند. همچنین در مودی شناسایی نشده. در برخی موارد هم مودی شناسایی شده اما در آمد آن قابل شناسایی نیست. همچنین در اقتصاد فعالیت قاچاق بسیار پر رنگ است. به خصوص بعد از تحریم کار پیچیده‌تر شده و ما نه حقوق گمرکی درست و حسابی می‌گیریم، نه مالیات درستی از آنها می‌گیریم و این کالاها وقتی قاچاق در چرخه اقتصاد قرار می‌گیرد نظام تولید و توزیع را مختل می‌کند. سودآوری را در اقتصاد هم می‌زند، سودآوری را توسعه می‌دهد که عواقب منفی زیادی را در پی دارد.

در برخی موارد هم مسامحیت‌هایی داده‌ایم که اگر قرار باشد اقتصادمان را بدون درآمدهای نفتی سربا نگه داریم باید آنها را نظام‌مند کنیم. تنوع و دامنه معافیت‌ها در اقتصاد ما را در مقایسه با کشورهای مشابه بسیار زیاد است. حتی معافیت‌های هدفمند در کشورهای توسعه یافته را نیز نداریم. یعنی مسامحیت‌های کشور که اگر فقط پرچم اقتصاد مقاومتی را در دست گرفتیم اقتصاد مقاومتی محقق خواهد شد.

شما طی این مدت مسئولیت چه کاری برای

تحقق عدالت مالیاتی کردید؟

من وقتی آمدم سازمان امور مالیاتی به اتفاق همکارانم مشکلات و ضعف‌ها را شناسایی کردیم و می‌دانستم که باید این مشکلات را در قالب برنامه‌ای بلندمدت رفع کرد و معتقدم اگر در نظام برنامه‌ریزی کشور، به مسائل کوتاه‌مدت فکر کنیم به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسیم. کسی که در هر دستگاهی کار می‌کند نباید به مسائل نگاه کوتاه‌مدت داشته باشد. شما وقتی برنامه توسعه کشور هند را بررسی می‌کنید، متوجه می‌شوید بعد از برنامه دوم توسعه‌اش وارد برنامه‌ریزی توسعه صنعتی شد و در پنج برنامه بعدی هر دولتی که سر کار آمد اصل آن برنامه‌های که در برنامه دوم توسعه طراحی کرده بودند عوض نکردند. اما اگر هر کس فکر کند در جایگاهی که قرار می‌گیرد، موقتی است، چیزی عوض نخواهد شد.

لذا ما آمدیم در برنامه سازمان مالیاتی مشکلات را به دو بخش کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم کردیم. در کوتاه مدت ما مشکل تحقق درآمدهای سالانه مالیاتی را داشتیم و بررسی کردیم که در کجا ما باید برای تحقق این مهم دقت عمل خود را باید بالا ببریم و در کجاها سرعت عملمان را، به عنوان مثال رسیدگی به پرونده‌های بزرگ و مؤثر مالیاتی در تمام استان‌ها چهار تا پنج سال عقب بود که ما این زمان را به کمتر از یک‌سال تقلیل دادیم. در برنامه بلندمدت نیز به دنبال زیرساخت‌های یک نظام جامع مالیاتی رقم‌باز، نرم‌افزار لازم برای یک نظام مطلوب را فراهم کردیم و به دنبال نیروی انسانی کارآمد رقم‌ب

کاربردی که بتواند شناسایی بکند را ندارد و آن کشورهایی که امروز نظام مالیاتی درستی دارند حداقل چهار دهه از ما جلوترند.

در کجاها رودر باستی داریم؟

در یک بخش‌هایی نظام‌مندی‌های قانونی ما ضعیف است که باید تقویت کنیم. مثلاً در مورد تبادل اطلاعات هیچ نظام‌مندی‌ای نبوده که دستگاه‌های دیگر را مجاب به دادن اطلاعات بکنند که در اصلاح قانون مالیات‌ها در ماده ۱۶۹ مکرر آورده‌ایم. و در آن اشاره شده است: لازمه نظام جامع مالیاتی تبادل اطلاعات و ایجاد یک پایگاه اطلاعات محرمانه و فقط برای تشخیص مالیات است.

دلیل این مقاومت چیست؟

من دلیل این مقاومت را بخشی‌نگری و نبودن ابزارهای قانونی کافی می‌دانم البته اقداماتی هم در همین شرایط سخت صورت گرفته و اگر امروز نظام مالیاتی رشد درآمدی داشته هم نتیجه توافقاتی است که برای تبادل اطلاعات با برخی دستگاه‌ها داشته‌ایم. معمولاً در جوامع پیشرفته این فرهنگ وجود دارد که پرداخت مالیات منجر به ایجاد راه بیشتر، امنیت بیشتر و گاه شرایط آموزشی بهتر... می‌شود و حتی در انتخابات نیز به نحوه هزینه‌کرد مالیات حساسند و سیاستمداران بخشی از شعراها و برنامه‌های تبلیغاتی‌شان را به مالیات اختصاص می‌دهند، چرا این حس در کشور ما وجود ندارد و در این باره چه باید کرد؟

در جوامع توسعه‌یافته انتظار مردم از دولت‌ها این است که دولت‌ها یک‌سری خدمات را به آنها ارائه دهند. البته دامنه این خدمات بستگی به تعریف ما از دولت دارد از سوی دیگر وقتی حدود ۲۰ تا ۸۰ درصد درآمدهای یک دولت را مالیات‌ها تأمین می‌کنند، در نتیجه هزینه‌هایی که دولت می‌کند در اذهان جامعه برجسته‌تر است و مردم هم آثار آن را ملموس‌تر می‌بینند. بنابراین مردم اگر مالیاتی پرداخت می‌کنند، آثار آن را بیشتر می‌بینند و درک می‌کنند. اما در اقتصاد ما کمتر از ۵۰ درصد هزینه‌های جاری دولت و نزدیک یک سوم هزینه‌های عمومی دولت از محل مالیات است بنابراین با توجه به سهم درآمدهای نفت در دولت، خدماتی که دولت انجام می‌دهد یا کاری صورت می‌گیرد، آن را نتیجه مالیات نمی‌دانند. اما شما فرض را بر این بگیرید که اگر هزینه‌های دولت از طریق مالیات تأمین بشود و نفت به سرمایه‌گذاری‌های مولد برود طبیعتاً آثار مالیات را برجسته‌تر می‌بینند. بنابراین مردم همیشه فکر می‌کنند پس درآمدها مالیاتی چه می‌شود؟

شما اشاره کردید که ۲۵ درصد تولید ناخالص ملی فرار مالیاتی دارند، با توجه به مشکلاتی که بر سر در یافت اطلاعات دارید، این رقم را بر اساس چه معیارهایی محاسبه کردید؟

این عدد براساس کار مطالعات و تحقیقاتی دانشگاهی است که به سفارش سازمان انجام شده. البته کشورهایی که از ما عقب‌مانده‌تر هستند نیز تا ۲۵ درصد فرار مالیاتی دارند.

این سؤال را برای این مطرح کردم که حجم درآمدهای ما در قیاس با اندازه اقتصاد ما بسیار کم است. بر اساس آمار دو سال پیش ما هدف‌هین قدرت اقتصادی را داشته‌ایم و الان هم با شرایط تحریم نباید جایگاهی بالاتر از ۲۲ داشته باشیم اما در قیاس با اندازه اقتصادمان سهم مالیات ما بسیار ناچیز است؟
ما بر اساس شاخص برابری قدرت خرید که یک شاخص بین‌المللی است نزدیک ۹۷۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ درآمد داشته‌ایم که در آن رتبه‌بندی جایگاه ۱۷ داشته‌ایم و الان هم حدود ۱۹ و ۲۰ هستیم. ما در چنین اقتصاد

بزرگی تقریباً کمتر از ۷ درصد تولید ناخالص داخلی مالیات می‌گیریم اما اقتصادهایی با اندازه ما تا ۴ برابر ما مالیات می‌گیرند.

دلیل این موضوع چیست؟

۱- به دلیل اینکه دامنه و تنوع معافیت‌های مالیاتی ما زیاد است. ۲- فرار مالیاتی زیاد است. ۳- بعضی از نظام‌مندی‌هایی که باید برای اخذ مالیات داشته باشیم را نداریم

آیا این سه دلیل سهم زیاد دولت و شبه‌دولتی‌ها در اقتصاد نیست؟

بله وقتی وجه غالب اقتصاد دولت باشد بعضی نظام‌مندی‌های اقتصاد درست عمل نمی‌کند و گرنه اقتصاد ما در جهان حرف برای گرفتن دارد اما باید کارهایی بکنیم که خیلی از شاخص‌های دیگر ما با سایر شاخص‌های بین‌المللی نیز تناسب داشته باشد.

تا کی قرار است نظام مالیاتی توافقی در کشور ما ادامه پیدا کند؟

در نظام‌های اقتصادی که قانونمندی‌های لازم برای اخذ مالیات به اتمام رسیده اصلاً توافق مثلاً با اصناف معنی‌دار نیست.

معنی‌ندار که برای تعیین مالیات چانه‌زنی کنیم. در همه اقتصادها به مودی می‌گویند در آمد شما چقدر است و مالیاتت چقدر است و مینما خوداظهاری است. اما اگر در خوداظهاری خطایی کرده باشی باید برای این خطا هزینه بپردازی خوب ما با شناخت درست

این مسئله در قانون اصلاح مالیات‌ها چانه‌زنی را حذف کرده‌ایم اما گفته‌ایم مینما خوداظهاری است و خوداظهاری هم بر که خالی یک فرم اطلاعاتی

درد

در اقتصاد فعالیت قاچاق بسیار پر رنگ است. به خصوص بعد از تحریم کار پیچیده‌تر شده و ما نه

حقوق گمرکی درست و حسابی می‌گیریم نه مالیات درستی از آنها می‌گیریم و این کالاها ی قاچاق وقتی در چرخه اقتصاد قرار می‌گیرد نظام تولید و توزیع آنها مختل می‌کند، سودآوری را در اقتصاد به هم می‌زند، عواقب منفی زیادی در پی دارد

کاربردی که بتواند شناسایی بکند را ندارد و آن کشورهایی که امروز نظام مالیاتی درستی دارند حداقل چهار دهه از ما جلوترند.

در یک بخش‌هایی نظام‌مندی‌های قانونی ما ضعیف است که باید تقویت کنیم. مثلاً در مورد تبادل اطلاعات هیچ نظام‌مندی‌ای نبوده که دستگاه‌های دیگر را مجاب به دادن اطلاعات بکنند که در اصلاح قانون مالیات‌ها در ماده ۱۶۹ مکرر آورده‌ایم. و در آن اشاره شده است: لازمه نظام جامع مالیاتی تبادل اطلاعات و ایجاد یک پایگاه اطلاعات محرمانه و فقط برای تشخیص مالیات است.

دلیل این مقاومت چیست؟

من دلیل این مقاومت را بخشی‌نگری و نبودن ابزارهای قانونی کافی می‌دانم البته اقداماتی هم در همین شرایط سخت صورت گرفته و اگر امروز نظام مالیاتی رشد درآمدی داشته هم نتیجه توافقاتی است که برای تبادل اطلاعات با برخی دستگاه‌ها داشته‌ایم.

معمولاً در جوامع پیشرفته این فرهنگ وجود دارد که پرداخت مالیات منجر به ایجاد راه بیشتر، امنیت بیشتر و گاه شرایط آموزشی بهتر... می‌شود و حتی در انتخابات نیز به نحوه هزینه‌کرد مالیات حساسند و سیاستمداران بخشی از شعراها و برنامه‌های تبلیغاتی‌شان را به مالیات اختصاص می‌دهند، چرا این حس در کشور ما وجود ندارد و در این باره چه باید کرد؟

در جوامع توسعه‌یافته انتظار مردم از دولت‌ها این است که دولت‌ها یک‌سری خدمات را به آنها ارائه دهند. البته دامنه این خدمات بستگی به تعریف ما از دولت دارد از سوی دیگر وقتی حدود ۲۰ تا ۸۰ درصد درآمدهای یک دولت را مالیات‌ها تأمین می‌کنند، در نتیجه هزینه‌هایی که دولت می‌کند در اذهان جامعه برجسته‌تر است و مردم هم آثار آن را ملموس‌تر می‌بینند. بنابراین مردم اگر مالیاتی پرداخت می‌کنند، آثار آن را بیشتر می‌بینند و درک می‌کنند. اما در اقتصاد ما کمتر از ۵۰ درصد هزینه‌های جاری دولت و نزدیک یک سوم هزینه‌های عمومی دولت از محل مالیات است بنابراین با توجه به سهم درآمدهای نفت در دولت، خدماتی که دولت انجام می‌دهد یا کاری صورت می‌گیرد، آن را نتیجه مالیات نمی‌دانند. اما شما فرض را بر این بگیرید که اگر هزینه‌های دولت از طریق مالیات تأمین بشود و نفت به سرمایه‌گذاری‌های مولد برود طبیعتاً آثار مالیات را برجسته‌تر می‌بینند. بنابراین مردم همیشه فکر می‌کنند پس درآمدها مالیاتی چه می‌شود؟

شما اشاره کردید که ۲۵ درصد تولید ناخالص ملی فرار مالیاتی دارند، با توجه به مشکلاتی که بر سر در یافت اطلاعات دارید، این رقم را بر اساس چه معیارهایی محاسبه کردید؟

این عدد براساس کار مطالعات و تحقیقاتی دانشگاهی است که به سفارش سازمان انجام شده. البته کشورهایی که از ما عقب‌مانده‌تر هستند نیز تا ۲۵ درصد فرار مالیاتی دارند.

این در بخش پیشگیری است. در بخش درمان فسادهای موجود بفرمایید.
اگر نظام جامع مستقر شود دامنه از تباط‌ها محدودتر شده سیستم‌بتر می‌تواند با فساد برخورد کند. وقتی دامنه فساد گسترش پیدا می‌کند و عمومی می‌شود برخورد با آن نیز خیلی سخت می‌شود.

بالاترین مبلغی که از مودی حقیقی و حقوقی گرفتارید چقدر بوده است؟

ما مودی داریم که از آن ۳ هزار میلیارد تومان گرفته‌ایم یا برخی از بانک‌ها و خودروسازان بوده‌اند که در بعضی سال‌ها ۷۰۰ میلیارد تومان مالیات پرداخته‌اند اما بستگی به وضعیت اقتصاد دارد که مثلاً

۹ جوار

سال قبل از همان خودروساز به دلیل ضرر و زیان ۵۰۰ میلیاردی که داشت یک ریال هم مالیات نگرفتیم.

عجیب‌ترین و متداول‌ترین روش‌های فرار

مالیاتی کدامند؟

در حال حاضر عجیب‌ترین و کثیف‌ترین روش فرار مالیاتی فاکتورفروشی است که توسط برخی شرکت‌ها انجام می‌شود. هم اکنون برخی بدون اینکه معامله‌ای انجام بشود، بدون اینکه کالایی ردو بدل بشود و بدون اینکه پولی رد و بدل بشود برای اینکه نمی‌خواهند هزینه‌هایشان را درست معرفی کنند یا درآمدهایشان را درست معرفی کنند یا حتی خودشان را به نظام مالیاتی معرفی کنند اقدام به سفارش فاکتورهای جعلی می‌کنند و شرکت‌هایی نیز به صورت کاملاً حرفه‌ای و با امکانات قوی جعل برای آنها با در اختیار داشتن انواع مهرها فاکتور صادر می‌کنند.

نکته تأسف‌بارتر این است که از این فاکتورها به عنوان اعتبار نظام مالیاتی در نظام ارزش افزوده در نظام مالیات بر عملکرد د به عنوان هزینه تولید یا هزینه خدمات استفاده می‌کنند یا از این فاکتورهای جعلی در نظام بانکی به عنوان ابزاری برای اعتبار و پول خارج کردن از بانک استفاده می‌کنند.

متداول‌ترین روش فرار مالیات هم دو دفتر نوشتن و کتمان در آمد و صورت‌حساب‌ها و ترازنامه‌های صورتی است.

برنامه سال آینده سازمان مالیاتی چیست و سهم مالیات‌ها در بودجه سال آینده چیست؟

برنامه سال آینده ادامه همان برنامه بلندمدتی است که به آن اشاره کردم و اما برنامه مالیات در بودجه سال آینده هنوز قطعی نشده و در سازمان مدیریت در حال نهایی شدن است ولی فکر می‌کنم حدود ۶۷ تا ۷۰ هزار میلیارد تومان در آمد مالیاتی پیش شده که منوط به تصویب دولت است. در مورد ارزش افزوده هم نظر سازمان امور مالیاتی ثبات رقم ۸ درصدی است اما باید منتظر نظر دولت و مجلس باشیم.

اما با توجه به کاهش درآمدهای نفتی آیا باز هم این رقم ثابت خواهد ماند؟

اقتصاد مقاومتی این نیست که به هر وسیله‌ای در آمد کسب کنیم و به هر روشی هزینه کنیم بلکه باید هزینه‌هایمان را هم مدیریت کنیم. البته دو پایه‌های جدید شناسایی شده که منتظر اعلام نظر مجلس هستیم. در قانون مالیات بر ارزش افزوده هم پایه جدیدی در حال تعریف شدن است با عنوان مالیات سبز یا مالیات‌های محیط زیستی.

تصور کارمندان و کارگران این است که



کسانی که حقوق آنها شفاف است از آنها مالیات می‌گیرند اما سازمان امور مالیاتی تمایلی برای اخذ مالیات از کسانی که در آمد خود را شفاف اعلام نمی‌کنند، ندارد. به عنوان مثال سازمان امور مالیاتی زورش به اصناف نمی‌رسند بنابراین هر طور که دلشان می‌خواهد مالیات می‌دهند چرا برای جلوگیری از این تصور صندوق‌های مکاتیزه و یکپارچه در خرده‌فروشی‌ها و مغازها نصب نمی‌شوند؟

بیش از ۱۰۰ سال پیش در قانون نظام صنفی آمده است که تا سال ۸۵ باید همه گروه‌های صنفی صندوق مکانیزه نصب کنند. اگر هم نصب نکنند جریمه می‌شوند اما عسلاً این کار را نکردند. در قانون ارزش افزوده هم بر این موضوع تأکید شد اما سازمان مالیات زورش نرسید. در قانون برنامه پنجم هم بر همین موضوع تأکید شد و اگر نصب نکنند از معافیت‌های مالیاتی محروم می‌شوند. اما این کار هم اتفاق نکر. د البته خیلی از اصناف در زمان حاضر از صندوق استفاده می‌کنند. ولی وقت معرفی به نظام مالیاتی می‌گویند ما صندوق نداریم، بنابراین به صرف اینکه در قانون بگوییم که اصناف صندوق بگذارند چیزی عوض نمی‌شود.

یکی از موارد مبتلا به دستگاه‌های اداری فساد است که سازمان امور مالیاتی هم از این موضوع مستثنا نیست. برای مقابله با این پدیده چه اقداماتی کرده‌اید و مصدافی هم اگر دارید چیست.
در هر نظام اداری که مشتری و بخش خدمات‌دهنده روبه‌روی هم قرار بگیرند طبیعتاً احتمال فساد وجود دارد، به خصوص که این ارتباط مربوط به مسائل مالی باشد. این رابطه می‌تواند در بانک، گمرک، نظام مالیاتی، شهرداری و... باشد. ما باید کاری کنیم که مردم برای خدمت گرفتن کمتر به کارمندان مراجعه کنند که این موضوع را در طراحی نظام جامع مالیاتی و حقوقی گرفتارید چقدر بوده است؟

ما مودی داریم که از آن ۳ هزار میلیارد تومان گرفته‌ایم یا برخی از بانک‌ها و خودروسازان بوده‌اند که در بعضی سال‌ها ۷۰۰ میلیارد تومان مالیات پرداخته‌اند اما بستگی به وضعیت اقتصاد دارد که مثلاً